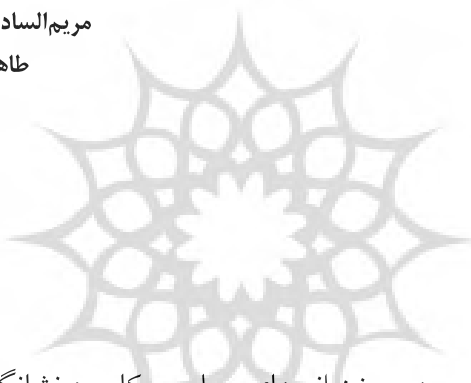


ادب و قدرت: مطالعه نشانگرهای تقویت/ تعدیل در زبان سیاسی

مریم‌السادات غیاثیان*

طاهره ذاکری**



چکیده

یکی از راهبردهای ادب در سخنرانی‌های سیاسی، کاربرد نشانگرهای تقویت/ تعدیل است. تأثیر عامل قدرت در نظریه‌های زبان‌شناسی ادب همواره مورد تأکید بوده است، اما شیوه این تأثیر در همه بافت‌ها یکسان و الزاماً مطابق با پیش‌بینی نظریه‌ها نیست. تحقیق حاضر با روش توصیفی-تحلیلی کاربرد نشانگرهای تقویت/تعدیل را در مورد ادب، قدرت سیاسی و وجهه در ده کنفرانس مطبوعاتی سیاسی داخلی رؤسای دو قوه (رئیس قوه مجریه در دوره

* عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور (m_ghiasian@pnu.ac.ir)

** دانشجوی دکترای تخصصی زبان‌شناسی همگانی دانشگاه پیام نور

(tahere.zakeri@gmail.com)

تاریخ تصویب: ۱۳۹۳/۱۲/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۷/۱۶

پژوهشنامه علوم سیاسی، سال دهم، شماره اول، زمستان ۱۳۹۳، صص ۹۵-۱۲۲

دهم، و رئیس قوه مقننه در دور هشتم) در سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ مورد بررسی و مقایسه قرار داده است. در بافت مورد بررسی راهبردهای ادب مثبت و منفی در راستای حفظ وجهه گوینده و مخاطب مستقیم یا هدف و مهم‌تر از آن کنش تهدید و وجهه مثبت و منفی (در برابر جناح مخالف و مخاطب خارجی) مشاهده شد. عامل قدرت نیز در تعامل با عواملی چون نوع سؤال، مخاطب و همچنین سبک گفتار شخصی بروز پیدا کرد.

واژگان کلیدی: نشانگر تقویت، نشانگر تعدیل، ادب سیاسی، قدرت، وجهه، کنفرانس مطبوعاتی سیاسی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

با وجود مقالات قابل ملاحظه‌ای که در اوایل دهه ۱۹۷۰ به چاپ رسیده است، همچنان مشکل می‌توان تعریفی دقیق و قابل فهم از ادب زبانی و ابعاد مختلف آن ارائه داد. به نظر می‌رسد این مسئله به دلایل ماهیت چندگانه، پیچیدگی‌های اجتماعی و تظاهرات فرهنگی، و همین‌طور ارتباط مفهوم ادب با فعالیت‌های زندگی روزمره، رخ می‌دهد که در نتیجه هم‌زمان با جهانی‌بودن ادب، تجلی‌های گوناگون آن در فرهنگ‌ها و زبان‌های مختلف، همواره به دلیل جذابیت‌های خاص خود، موضوع مطالعات تحلیلگران زبانی بوده است؛ در همین مورد ذکر چند نکته در مطالعات پیشین ضروری به نظر می‌رسد: نخست اینکه اغلب مطالعات این حوزه با تأکید و تمرکز بر موقعیت‌های گفتار غیررسمی و رفتار زبانی سخنگویان به‌عنوان کنشگران حقیقی انجام شده است. دیگر اینکه گرچه قدرت، عنصر مهمی در انگاره *براون* و لوینسون^۱ (۱۹۸۷) بوده است، تنها به‌عنوان یکی از مفروضات در تعریف شرایط شرکت‌کنندگان در نظر گرفته شده است، تا به‌عنوان عاملی پویا در تعامل حاضران گفتگو. نکته مهم دیگر این است که نظریه ادب در گفتمان‌های رسمی با بافت‌های حرفه‌ای و نهادی که لیکاف^۲ (نقل شده در هریس^۳، ۲۰۰۱، ۴۵۲) برای نخستین بار به آن پرداخت، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. از آنجاکه ادب در روابط بینافردی معنا پیدا می‌کند تا در بعد فراکنشی زبان که تنها انتقال اطلاعات مدنظر است، نظریه‌های ادب زبانی باید به بررسی گفتمان‌های متفاوت در بافت‌های حرفه‌ای و

1. Brown & Levinson
2. Lakoff
3. Harris

نهادی از جمله بافت‌های سیاسی نیز پردازد؛ بافت‌هایی که ما را وادار می‌کند تا ادب را از دیدگاه‌های متفاوت و با برجسته‌کردن قلمروهای دیگر بنگریم.

یکی از عرصه‌های مطالعه زبان دیپلماسی، کنفرانس‌های مطبوعاتی سیاسی است که پی‌بیریم سیاستمداران از چه گفتمان و فنون بلاغی بهره می‌گیرند. به‌کار بردن نشانگرهای تعدیل به‌عنوان یکی از ساختارهای گفتمان‌مدار در رفتار دیپلماسی بسیار کاربرد دارد؛ در سایه این رفتار افراد از وجهه خود (یا مخاطب) محافظت می‌کنند که از آن به ادب سیاسی یا دیپلماسی هم یاد می‌شود (بلوور^۱، ۲۰۰۷).

بنابراین می‌بینیم که مفاهیم بلاغت سیاسی و نشانگرهای تعدیل و تهدید/حفظ وجهه به هم پیوند خورده است. ویژگی زبان سیاسی راهی مناسب برای کاربرد نشانگرهای تعدیل در راستای مقاصد ابهام‌گویی است. این ابزار زبانی، سخنگو را قادر می‌سازد تا گفته خود را مبهم بیان کند (هایلند^۲، ۱۹۹۸: ۵). نشانگرهای تعدیل به‌عنوان راهبردهای ادب منفی و مثبت بررسی می‌شوند و نقش کاهش تهدید وجهه مخاطب را به‌عهده دارند تا از این طریق با تعدیل ادعاها، آزادی قضاوت به مخاطب داده شود؛ و در کنار این نقش، به‌عنوان پوششی برای گوینده/نویسنده به‌کار می‌رود تا از پیامدهای منفی احتمالی و انتقادهای علیه او (حفظ وجهه) محافظت شود (می‌یر^۳، ۱۹۸۹: ۸). نشانگرهای تقویت مثل «مطمئناً»، «البته»، «مشخص است» و «حتماً» به سخنگو این امکان را می‌دهد تا نظر خود را با تأکید و اعتمادبه‌نفس نسبت به گزاره بیان‌شده با ثبات به مخاطب ارائه دهد و هم‌زمان اطلاعات را به اشتراک می‌گذارد و عضویت گروه را نشان می‌دهد (هایلند، ۱۹۹۸: ۳۵۶). هایلند (۲۰۰۰) معتقد است نشانگرهای تعدیل و تقویت موجب رابطه‌ای سه‌گانه بین نویسنده (سخنگو)، خواننده (شنونده) و متن (گفته) می‌شود؛ تعدیل گرها موجب کاهش کنش تهدید وجهه می‌شوند، حال آنکه تقویت‌کننده‌ها موجب افزایش تهدید یا تخریب وجهه مخاطب می‌شوند که اگر این امر از سوی سخنگو عمداً انجام شود

1. Bloor
2. Hyland
3. Mayer

و شنونده نیز آن را درک کند، بی ادبی موفق^۱ اتفاق افتاده است (باوسفیلد^۲، ۲۰۰۸: ۷۲).

از مطالعاتی که درباره موارد بالا می توان نام برد عبارتند از لیکاف (۱۹۸۹) که بحث ادب را در بافت روان درمانی و دادگاهها بررسی کرده و معتقد است، برای نمونه گاهی رفتار وکلا برای شاهدانی که احضار می کنند غیر مؤدبانه و شاید گستاخانه به نظر برسد اما در موقعیت دادگاه کاملاً پذیرفته شده است. ون دایک^۳ (۱۹۹۳) نیز به بررسی رابطه قدرت و نشانگرهای تعدیل می پردازد و به کارگیری این ابزار زبانی را راهبردی برای اعمال قدرت غیررسمی و پنهان می داند. فرکلوف^۴ (۱۹۹۵) هم در موقعیت های نابرابر قدرت، کاربرد نشانگرهای تعدیل را از هنجارهای ادب و تعامل می داند که شکلی طبیعی گرفته اند و وی آنها را کارکردهای ایدئولوژیکی می نامد. هریس (۲۰۰۱) راهبردهای ادب را در گفتمان سیاسی و رسمی نهادی چون مجلس بریتانیا مطالعه کرده و در نهایت به این نتیجه رسیده است که بی ادبی نظام یافته از سوی اعضای مجلس نه تنها تأیید، بلکه تشویق نیز می شود. بشیا^۵ (۲۰۰۶) نیز بحث قدرت و به کار بردن نشانگرهای تعدیل را در کنفرانس های مطبوعاتی سیاسی بررسی کرده است و نتیجه می گیرد که سیاستمداران در راستای کاهش سرزنش های اخلاقی و سیاسی از افعال وجهی، ضمایر شخصی و امثال آن استفاده می کنند. فریزر^۶ (۲۰۰۹) نشانگرهای تعدیل را در گفتمان سیاسی مطالعه کرده است و رابطه نشانگرها را با مفاهیمی چون ادب، وجهه، ابهام، طفره و قدرت مطرح می کند. وی معتقد است به کار بردن تعدیل گرها نه تنها به سبب گریز از تهدید وجهه است، بلکه نشانگرها به عنوان سبک گفتار نیز قابل بررسی هستند که موجب جذابیت و ایجاد نگرش مثبت در مناسبات اجتماعی می شود. در پایان می توان به کارهای جلیلی فر و علوی (۲۰۱۳ و ۲۰۱۱) اشاره کرد که به بررسی نشانگرهای

1. Successful Impoliteness
2. Bousfield
3. Van Dijk
4. Fairclough
5. Bhatia
6. Fraser

تعدیل و تقویت‌کننده‌ها در مناظره‌های ریاست‌جمهوری پرداخته‌اند و مشاهده می‌شود که به‌کارگیری نشانگرهای تعدیل با قدرت سیاسی در این مطالعه نیز رابطه معکوس داشته است و البته در هر دو مطالعه، ادب مثبت و منفی مشاهده شده است.

مقاله حاضر نیز به‌دنبال بررسی جلوه‌های ادب (مثبت و منفی) برگرفته از چارچوب نظری براون و لوینسون (۱۹۸۷) و بی‌ادبی در بافت رسمی و سیاسی، براساس نظرات بوسفیلد (۲۰۰۸) و هریس (۲۰۰۱) است که از طریق کاربرد تعدیل‌گرها و تقویت‌کننده‌ها به‌عنوان عناصر زبانی گفتمان‌مدار متجلی می‌شود و با این روش می‌توان به فهم عمیقی از مفهوم ادب و بی‌ادبی و تهدید و جبهه عمدی مخاطب یا حفظ و جبهه گوینده دست یافت. در نتیجه بررسی اینکه چگونه ادب و بی‌ادبی در این فرایند تعریف و تفسیر می‌شود و اینکه چه قوانینی بر پرسش و پاسخ حاکم است و چه هنجارهایی در گفتمان سیاسی چون کنفرانس مطبوعاتی، مباحث ادب و جبهه را از یک مکالمه ساده میان دو شهروند مجزا می‌کند، شاید بتواند به بسط نظریه ادب در گفتمان‌های متفاوت از جمله سیاسی بینجامد.

نوآوری مقاله حاضر بررسی راهبردهای ادب در گفتمان رسمی و سیاسی، یعنی کنفرانس‌های مطبوعاتی سیاسی سیاستمداران کشورمان است که برای نخستین بار انجام می‌گیرد. رؤسای قوا با توجه به اینکه از نظر جایگاه قدرت نهادی در یک سطح هستند، بررسی روابط قدرت، ادب و تهدید/حفظ و جبهه در میان آنها در عین تفاوت می‌تواند بسیار جالب توجه باشد، تا از این رهگذر به فهم عمیق‌تری از تعامل زبان با سیاست و رابطه آن با قدرت در عرصه سیاسی ایران دست پیدا کنیم. اهداف بالا موجب طرح پرسش‌های زیر شد:

۱. آیا ارتباطی بین قدرت سیاسی رؤسای قوای مجریه (دوره دهم) و مقننه (دور هشتم) و کاربرد نشانگرهای تقویت/تعدیل وجود دارد؟
۲. آیا رؤسای دو قوه مجریه (دوره دهم) و مقننه (دور هشتم) نشانگرهای تقویت/تعدیل را به‌منظور ادب و حفظ/تهدید و جبهه به‌کار برده‌اند؟

۱. ادب سیاسی

نزدیک به چهار دهه از آغاز مطالعه ادب در علم زبان‌شناسی می‌گذرد و در این مدت، نظریه‌های متعددی برای درک این پدیده ارائه شده است. محقق تأثیرگذاری که سنگ بنای مدل‌های ادب زبانی را گذاشت، گرایس^۱، یکی از پیشروان دانش کاربردشناسی زبان است. وی ضمن مطرح ساختن اصول همکاری در گفتگو، به ضرورت قاعده دیگری، به نام ادب اشاره کرد و همین نکته بود که توجه زبان‌شناسان بعدی را به خود معطوف کرد. معتبرترین نظریه ادب که تاکنون و برپایه اصول گرایس شکل گرفته است، نظریه براون و لوینسون (۱۹۸۷ و ۱۹۷۸) است. این نظریه بر حفظ وجهه افراد استوار است. وجهه به تصویری که اجتماع از هر فرد دارد، تعبیر می‌شود. براساس این نظریه، برای هر فرد دو گونه وجهه وجود دارد؛ یکی مثبت و دیگری منفی؛ در وجهه مثبت^۲ میل فرد به این است که خواسته‌هایش در تعاملات اجتماعی مورد تأیید و تمجید واقع شود و مورد احترام دیگران قرار گیرد، درحالی‌که وجهه منفی^۳ بر تمایل فرد نسبت به آزادی عمل دلالت می‌کند و اینکه نظرات دیگران بر او تحمیل نشود. به این ترتیب، رهیافت‌های ادب، آنهایی هستند که (۱) به تأیید و تقویت وجهه مثبت مخاطب منجر می‌شوند و ادب مثبت نام می‌گیرند؛ و (۲) از تجاوز به حریم آزادی عمل مخاطب و تحمیل به وی پرهیز می‌کنند و ادب منفی نامیده می‌شوند. براون و لوینسون (۱۹۸۷: ۶۵) همچنین کنش‌هایی چون، دستور، درخواست، پیشنهاد، تهدید و قول را در دسته‌بندی کنش‌های تهدید وجهه منفی شنوده و کنش‌هایی چون تهمت، اهانت، عبارات انتقادی، را در گروه کنش‌های تهدید وجه مثبت شنوده می‌دانند. آنها (براون و لوینسون، ۱۹۸۷: ۶۱) ادب را پدیده‌ای جهانی می‌شمارند؛ به این معنی که همه زبان‌های دنیا امکاناتی برای بیان آن در اختیار دارند، اما این امکانات برحسب نوع ساختار زبانی متفاوتند. لیکاف (۱۹۸۹) نیز ادب را در مکالمات عادی در نقش روابط بینافردی می‌بیند تا تبادل اطلاعات. وی معتقد است ادب در روابط تعریف

1. Grice
2. Positive Face
3. Negative Face

می‌شود و در این مورد سه نوع رفتار را از یکدیگر متمایز می‌کند: مؤدبانه، غیرمؤدبانه و گستاخانه، که بیشتر در موقعیت‌های نهادی و جناحی برقرار است، یعنی اعضای گروه و انتظارات شرکت‌کنندگان، تعیین‌کننده معنای این سه رفتار هستند. وی در تعریف رفتار غیرمؤدبانه می‌گوید، رفتاری است که قواعد ادب را (در جایی که انتظار نمی‌رود) رعایت می‌کند و رفتار گستاخانه را رفتاری می‌داند که راهبردهای ادب را (در جایی که انتظار می‌رود) به کار نمی‌برد و در نتیجه این رفتار، گفته‌شخص به نوعی تقابل منفی و عمدی تلقی می‌شود. البته لیکاف تعریف دقیقی از قواعد ادب به دست نمی‌دهد. در واقع تعریف این سه رفتار در گفتمان‌های مختلف، قابل انعطاف است. وی رابطه ادب و قدرت را بسیار نزدیک می‌داند، ولی از دیدگاه براون و لوینسون در این مورد انتقاد می‌کند که صرفاً عامل قدرت را عنصری معین و از پیش تعیین شده در ارتباط با شرکت‌کنندگان در نظر گرفتند و در مقابل قدرت را عاملی پویا می‌داند که در کنش ارتباطی اتفاق می‌افتد. لاجر^۱ (۲۰۰۴) نقل شده در باوسفیلد، ۲۰۰۸: ۶۰) از براون و لوینسون انتقاد می‌کند که مفهوم وجهه را عمومی و به‌غایت فردی تصور کردند. وی به دو وجهه درونی و بیرونی قائل است که براون و لوینسون نتوانستند این دوگانگی را شفاف توضیح دهند و صرفاً به «خواست»^۲ وجهه مثبت و منفی اکتفا کردند. وجهه یک مفهوم از پیش تعیین شده نیست، بلکه مفهومی پویا، قابل تغییر و قابل خلق است که در تعامل، تضعیف و یا تقویت می‌شود. وجهه‌ای که فرد از طرف مقابل انتظار دارد مفهومی درونی‌شناختی است و آنچه در تعامل اتفاق می‌افتد بیرونی و دوطرفه است. انتظار فرد درونی و فردی است و آنچه اتفاق می‌افتد، بیرونی و اجتماعی است. وجهه یک رابطه دوسویه است و گاهی انتظارات فرد با واقعیتی که اتفاق می‌افتد، متفاوت است. وجهه از نظر نوع، کمیت، قدرت و برجستگی با توجه به فرهنگ، گفتمان و بافت، به‌ویژه در کشورهای غیرغربی متفاوت است (باوسفیلد، ۲۰۰۸: ۴۲). هریس^۳ (۲۰۰۱) مدل براون و لوینسون را همچنان عملی‌ترین و کاربردی‌ترین رویکرد در

1. Locher
2. Want
3. Harris

تحلیل ادب زبانی دانسته و دلایل این امر را هم قابلیت بالای این مدل، انسجام آن، توجه به نکات ریز و جزئی و کاربردی بودن آن در مطالعات بینافرهنگی می‌داند. او درعین حال این انتقاد را هم به این مدل وارد می‌داند که صرفاً به تحلیل موقعیت‌های غیررسمی و مکالمه‌ای پرداخته است و درعین حال تمرکز آن صرفاً بر کنش‌های تهدید وجهه^۱ بوده است که دو طرف از تقابل اجتناب می‌کنند. وی معتقد است، نظریه ادب زبانی باید به گفتمان‌های مختلف از جمله بافت‌های نهادی و حرفه‌ای نیز گسترش یابد تا ادب را از دیدگاه‌های مختلف با برجسته کردن حوزه‌های گفتمانی، بنگریم (باوسفیلد، ۲۰۰۸: ۴۵۳). در نتیجه می‌توان گفت مفهوم ادب سیاسی با توجه به گونه گفتمانی خاص خود تعبیر و تفسیر می‌شود.

تحقیق حاضر با تکیه بر موارد بالا به دنبال نشانه‌هایی از ادب (مثبت و منفی) و تهدید/حفظ وجهه شنونده و گوینده در کنفرانس‌های مطبوعاتی سیاسی رؤسای قوا است تا نشان دهد تعبیر مفاهیم ادب و بی‌ادبی در مورد نمایندگان شخصیت‌های حقوقی و با در نظر گرفتن قدرت به‌عنوان عاملی تعیین‌کننده می‌تواند متفاوت از افراد حقیقی و گفتگوهای روزمره باشد. بنابراین روش تحقیق از نوع تحلیل کیفی گفتمان سیاسی است و نقش عناصر زبانی گفتمان‌مداری چون تعدیل‌گرها و تقویت‌کننده‌ها را در تجلی ادب یا بی‌ادبی سیاسی که نوعی هنجار در گفتمان‌های سیاسی است، بررسی می‌کند.

۲. کنفرانس مطبوعاتی سیاسی

این گونه^۲ از گفتمان سیاسی، دارای انواع داخلی و خارجی است. برگزاری کنفرانس‌های مطبوعاتی داخلی در ایران به‌این صورت است که در سطح شخصیت‌های درجه یک (سران قوا و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام) با اعلام روابط عمومی نهاد مربوطه به دفتر روزنامه‌ها و خبرگزاری‌های داخلی و روزنامه‌ها و خبرگزاری‌های خارجی که در ایران دفتر نمایندگی دارند و یا با وزارت ارشاد مرتبط هستند، از آنها برای حضور در جلسه دعوت می‌کنند. شیوه انتخاب

1. Face Threatning Acts

2. Genre

برای طرح پرسش به این ترتیب است که از اصحاب رسانه برای طرح پرسش دعوت می‌شود. فقط صورت کلی کنفرانس خبری و دامنه پرسش‌ها تعیین می‌شود؛ البته در مصاحبه‌های دوتفره معمولاً پرسش‌ها به صورت تخصصی‌تر با مصاحبه‌شونده کنترل خواهد شد. در مورد تعلق پرسش‌ها هم به صورت معمولی بین یک تا دو مورد تعیین می‌شود که در بعضی مواقع دیده شده است که خبرنگاران با زیرکی تعداد بیشتری پرسش را به هم می‌چسبانند در این مولود چون دستورالعمل اجرایی وجود ندارد و بیشتر به توانایی‌های شخصی مجری برنامه و مقام مسئول بستگی دارد، خبرنگاران با چانه‌زنی و زیرکی به دنبال موقعیتی برای طرح سؤالات بیشتر هستند.^{۹۱} شاید به همین دلیل است که عامل قدرت را در کنفرانس‌های مطبوعاتی سیاسی شاهد هستیم؛ سیاستمداران هرچا لازم بدانند از قدرت خود برای کنترل خبرنگاران و ابراد حاضر استفاده می‌کنند. یکی از راهبردهای مرسوم در کنفرانس‌های مطبوعاتی، طفره رفتن و یا ابهام‌گویی است که سیاستمداران هرچا که نمی‌توانند و یا به دلیل پیامدهای موضوع نمی‌خواهند پاسخ بگویند، به این راهبردها متوسل می‌شوند. در گونه کنفرانس مطبوعاتی سیاسی، انواع ادب مثبت و منفی نیز مشاهده می‌شود که البته سیاستمداران اغلب مخالفت خود را مستقیم بیان نمی‌کنند (مثلاً، ۲۰۰۶: ۱۷۸).

کاربردهای نشانه‌گرهای تعدیل را در کنفرانس‌های مطبوعاتی سیاسی می‌توان در دو هدف کلی خلاصه کرد: تعدیل شدت اثر گفته پرسش‌کننده از راه ارائه آن به صورت مؤدبانه و پرهیز از پاسخ‌گویی سریع به سئوهای که کنشگر، کنش و مسئولیت و تعهدی مشخص نشود (فریزر، ۲۰۰۹: ۲۰۶)؛ که در این مقاله این دو کاربرد صرفاً با توجه به بحث ادب و حفظ لایه‌دید وجهه گوینده مخاطب مورد توجه قرار خواهد گرفت.

۳. تعدیل داده‌ها

در این تحقیق ده کنفرانس مطبوعاتی داخلی از زمانی سوه مجریه (دوره نهم) و قوه مقننه (دوره هشتم) در ایران مربوط به سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ از سایت‌های مخصوص هر قوه^{۹۲} به‌طور تصادفی انتخاب شده است و پرسش‌های مطرح در این

کنفرانس‌ها که در هر دو حوزه مشترک هستند و پاسخ‌های مرتبط به روش توصیفی-تحلیلی با توجه به بافت، تحلیل خواهد شد. فهرست کنفرانس‌های منتخب عبارتند از:

۱. کنفرانس‌های انتخابی رئیس قوه مجریه (دوره دهم)

الف - کنفرانس خبری رئیس‌جمهور مورخ (۱۳۸۷/۲/۲۲) با عنوان «ملت ایران، ظرفیت تصمیمات، اطلاعات و جهش‌های بزرگ را در عرصه‌های گوناگون در دهه»

ب - کنفرانس خبری رئیس‌جمهور مورخ (۱۳۸۷/۶/۱۶) با عنوان «نخستین نشست دکتر احمدی‌نژاد با اصحاب رسانه در دولت دهم»

ج - کنفرانس خبری رئیس‌جمهور مورخ (۱۳۸۷/۱۱/۲۷) با عنوان «نشست خبری رئیس‌جمهور یا نمایندگان رسانه‌های داخلی و خارجی»

د - کنفرانس خبری رئیس‌جمهور مورخ (۱۳۸۷/۰۵/۲۰) با عنوان «شناسنامه خبر ۲۳۳۲۱، پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری»

ه - کنفرانس خبری رئیس‌جمهور مورخ (۱۳۸۷/۰۷/۰۹) با عنوان «فنیای امروز نیامد راه و نظم جدیدی است»

۲. کنفرانس‌های انتخابی رئیس قوه مقننه (دوره هشتم)

الف - کنفرانس (۱۳۸۷/۰۲/۰۹) با عنوان «بحث و حل‌ت در کشور از نکات کلیدی است»

ب - کنفرانس (۱۳۸۷/۱۲/۲۵) با عنوان «دقت، تسخیر و هستی، لازمه اجرایی قوانین مجلس است»

ج - کنفرانس (۱۳۸۷/۰۲/۰۲) با عنوان «در تصمیمات سریع‌تر عمل کنیم تا به نتایج لازم برسیم»

د - کنفرانس (۱۳۸۷/۰۵/۰۲) با عنوان «مصوبات دولت نباید مخالف قوانین و مقررات کشور باشد»

ه - کنفرانس (۱۳۸۷/۰۸/۲۰) با عنوان «استدوار توسعه ملی، پشتیبان اصلی سرمایه‌گذاری در کشور است»

حاصل به نمونه‌هایی از پرسش‌های مشترک و پاسخ‌های آنها و تحلیل مرتبط می‌باشد.

کنفرانس ۱۳۸۹/۵/۲ - رئیس قوه مقننه

۱. سوال: در خصوص استناد قانونی ابلاغ قانون اختصاص دو میلیارد دلار به مترو توسط جنابعالی که در پی عدم ابلاغ این قانون در مهلت قانونی از سوی رئیس‌جمهور صورت گرفت، توضیح دهید.

پاسخ: قانون می‌گوید، رئیس‌جمهور در یک زمان مشخصی باید قانون را ابلاغ کند که اگر در این موعد مقرر ابلاغ قانون صورت نگیرد، از طریق رئیس مجلس قانون ابلاغ می‌شود، متن قانون این را می‌گوید. وقتی قانون ابلاغ شد، تمام دستگاه‌های مجری موظف به اجرای قانون هستند و نمی‌توانند آن را اجرا نکنند. براساس اصل ۵۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اعمال قوه مقننه، از طریق مجلس شورای اسلامی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می‌شود و مصوبات آن پس از طی مراحل برای اجرا به قوه مجریه و قضائیه ابلاغ می‌گردد. اصل ۱۲۳ قانون اساسی نیز تصریح دارد رئیس‌جمهور موظف است مصوبات مجلس یا نتیجه همه‌پرسی را پس از طی مراحل قانونی و ابلاغ به وی امضا کند و برای اجرا در اختیار مسئولان بگذارد.... طبق قانون اساسی این مصوبات باید به رئیس مجلس داده شود که آنها را با قانون مطابقت دهد، اما مدتی است که این مصوبات به هیئت تطبیق ارسال نشده است.

تحلیل: رئیس قوه مقننه با به‌کارگیری عنوان «رئیس‌جمهور» در مقابل «رئیس مجلس» و بیان اختیارات هر یک به‌طور مجزا از ادب منفی بهره برده است و در ادامه با استنادات قانونی (راهکار ارجاع) با تأکید به قدرت مجلس و رئیس قوه مقننه می‌پردازد که «منتخب مردم» هستند و مصوبات آن برای اجرا به دو قوه دیگر ابلاغ می‌شود. استفاده از تقویت‌کننده‌هایی چون «موظف است»، افعال وجهی در «باید ابلاغ کند»، «باید داده شود» و «نمی‌توانند اجرا نکنند» در راستای قدرت‌نمایی رئیس قوه مقننه به‌کار گرفته شده است که تهدید وجهه مخاطب و حفظ وجهه منفی گوینده را موجب شده است. درست است که هر یک از قوای مقننه و مجریه قدرت لازم را برای انجام امور واگذار شده در قوه خود دارد، اما به‌نظر می‌رسد، قوه مقننه از آنجاکه قانونی را وضع می‌کند که قوه مجریه انجام‌دهنده آن است، پس یک گام جلوتر از رئیس قوه مجریه است و خود را قدرتمندتر از او می‌داند و با توجه به

اینکه عدم هماهنگی به عمل آمده از سوی مخاطب رخ داده است، وی نیازی به طفره رفتن و کاربرد ضمایر مبهم نمی‌بیند. به همین دلیل به صراحت جایگاه خود و رئیس‌جمهور را به روشنی بیان می‌کند، اما در نهایت برای حفظ ادب و وجهه مخاطب، از مجهول هم بهره می‌گیرد (مدتی است مصوبات اجرا نشده).

کنفرانس ۱۳۸۹/۵/۲۰ - رئیس قوه مجریه (دوره دهم)

۲. سؤال: بحث‌هایی درباره تعامل و چالش‌های پیرامون مجلس و دولت مطرح می‌شود به‌ویژه در بحث ابلاغ قوانین؛ نظرتان در این مورد چیست؟

توضیح: پرسش خبرنگار در مورد مناقشه‌ای است که میان دولت و مجلس اتفاق افتاده است که درباره دو مورد ابلاغ قوانین بوده که دولت ابلاغ نکرده است، یکی بحث سنددار کردن زمین‌های داخل روستاها و حریم روستاها و مورد دوم این بود که مجلس دو میلیارد دلار برای مترو تصویب کرد که دولت می‌گوید ما این را اصلاً قانون نمی‌دانیم و پاسخ قوه مقننه در این باره در بالا بیان شد.

پاسخ: ما بالاترین سطح تعامل را داریم. تا کسی از کسی انتقاد می‌کند، هیاهو و سروصدا می‌کنند. بالاخره کسی حرفی می‌زند. ما برای تعامل بیشترین کاری که کردیم تحمل بود. سکوت الهام‌بخش وحدت بود و در این رابطه هم بیشترین همکاری انجام پذیرفته است... واقعاً درگیری به آن معنا وجود ندارد که بعضی‌ها مطرح می‌کنند. بالاخره رئیس‌جمهور اظهار نظر می‌کند یک کسی هم جواب می‌دهد، همین.

تحلیل: کاربرد ضمیر «ما» به صورت انحصاری^۱ از موارد تقویت‌کننده و در این جمله نشانه ادب منفی برای حفظ وجهه منفی خود از یک سو و تهدید وجهه مثبت طرف مورد تعامل از دیگر سو است، یعنی به این وسیله غیرمستقیم، نبود اتحاد دو قوه را نشان می‌دهد که البته عاملش طرف مقابل است. سخنگو در جملات بالا پنج‌بار از ضمیر مبهم «کسی» استفاده کرده است و کاربرد این نوع تعدیل‌گر بیانگر طفره‌روی از ارجاع مستقیم به رئیس قوه مقننه و حفظ وجهه منفی وی است. در جمله آخر نیز وقتی می‌گوید، «رئیس‌جمهور» اظهار نظر می‌کند و «کسی» هم جواب

می‌دهد، به‌کارگیری عنوان «رئیس‌جمهور» در مقابل «کسی» در گفتمان سیاسی نشانه قدرت‌نمایی و حفظ وجهه‌گوینده و ادب منفی است^(۳). در مجموع، جملاتی کلی و درعین‌حال متناقض مشاهده می‌کنیم. «بالاترین سطح تعامل»، «تحمیل» و «سکوت» که از نظر بار معنایی با تعامل متفاوت است، و به‌این‌ترتیب با به‌کارگیری این اصطلاحات سعی در تهدید شخص مورد تعامل دارد و همان‌گونه که می‌دانیم تهدید کردن نیز یکی از موارد تهدید وجهه منفی مخاطب محسوب می‌شود. در جمله بعدی که گفته می‌شود «همکاری انجام پذیرفته است» تلاش دارد تا تعامل را یک‌سویه نشان دهد و با نادیده گرفتن طرف مقابل، تهدید وجهه منفی وی انجام شده است.

وقتی خبرنگار دیگری در مورد موضوع حل اختلاف بین دولت و مجلس می‌پرسد، رئیس‌جمهور پاسخ می‌دهد: رئیس‌جمهور طبق اصل ۱۱۳ بالاترین مقام رسمی کشور پس از رهبری و مجری قانون اساسی است، آنجایی که رئیس‌جمهور، رئیس قوه مجریه است، سه قوه با هم یکسانند و هیچ‌کدام نمی‌توانند بر دیگری تحکمی داشته باشند، اما جایگاه رئیس‌جمهور صرفاً ریاست قوه مجریه نبوده و بالاتر از آن است. در پاسخ به این پرسش نیز رئیس‌جمهور با استناد به قانون اساسی که از راهبردهای ارجاع^۱ است به‌نوعی قدرت‌نمایی می‌کند و با به‌کارگیری ادب منفی به‌دنبال حفظ وجهه خود است.

کنفرانس ۱۳۸۹/۵/۲ - رئیس قوه مقننه

۳. خبرنگاران برای به‌چالش کشیدن رئیس‌مجلس، پرسش دیگری در پی این پرسش نخست مطرح می‌کنند.

سؤال: اگر این روند ادامه پیدا کند آیا مجلس طبق قانون می‌تواند اجرای این مصوبات را متوقف کند؟

پاسخ: به‌هرحال راه‌هایی دارد اما باید از طرق خاصش رفت که کم‌هزینه‌تر باشد. براساس اصل ۸۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مجلس شورای اسلامی می‌تواند تصویب دائمی اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها، مؤسسات دولتی یا

وابسته به دولت را با رعایت اصل ۷۲ به کمیسیون‌های ذی‌ربط واگذار کند. تشخیص این امر به ترتیب مذکور در اصل ۹۶ با شورای نگهبان است. علاوه بر این، مصوبات دولت نباید مخالف قوانین و مقررات عمومی کشور باشد و به منظور بررسی و اعلام عدم مغایرت آنها با قوانین مزبور باید ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی برسد.

تحلیل: در پاسخ به پرسش بالا رئیس قوه مقننه بار دیگر با کاربرد ارجاع، به گفته‌های خود پشتوانه قانونی داده است تا از مسئولیت خود بکاهد. وی با استفاده از تقویت‌کننده‌هایی چون افعال وجهی در نمونه‌های غیرشخصی «نبايد مخالف باشد» و «باید به اطلاع برسد» قوه مقننه را در جایگاه قدرت قرار می‌دهد و در عین حفظ وجهه منفی برای خود، وجهه طرف متعامل، یعنی رئیس قوه مجریه را تهدید می‌کند.

در ادامه خبرنگاری با زیرکی می‌پرسد:

۴. سؤال: ممکن است به رابطه دولت و مجلس نمره بدهید؟

پاسخ: این سؤالات شما رمانتیک است و من وارد نیستم که نمره بدهم. این نمره دادن برای شما است که بنشینید و به ما نمره بدهید.

تحلیل: سخنگو با زبان دیپلماسی از پاسخ‌گویی طفره می‌رود. واژه «رمانتیک» می‌تواند به نوعی در راهبرد «نام‌دهی»^۱ بگنجد^(۲). در این پاسخ رئیس قوه مقننه با به‌کارگیری ضمیر همبسته^۲ «ما» در جمله آخر، این معنا را انتقال می‌دهد که از نظر قدرت، رؤسا در یک رده هستند. او به نوعی در این جملات پاسخ پرسش قبلی را تعدیل کرده و وجهه مثبت برای خود و مخاطب قائل شده است.

کنفرانس ۱۳۸۹/۹/۹ - رئیس قوه مجریه (دوره دهم)

۵. سؤال: آمریکا شرایط ایران را برای مذاکره پذیرفته، اما انگلیس نپذیرفته، آیا ایران فعالیتی را از سوی دو کشور مشاهده کرده است؟

پاسخ: ایران به دنبال چراغ سبز کسی نیست و براساس شرایط، تصمیم‌گیری می‌کند. واقعیت این است که آنها در بن‌بست قرار گرفته‌اند. آنها نمی‌توانند ایران را

از مبادلات جهانی کنار بگذارند؛ بیش از ۳۰ سال از قطع همکاری‌های اقتصادی ایران با آمریکا می‌گذرد، در این مدت ایران نه تنها ضرر نکرده، بلکه حجم مبادلات کشورمان افزایش هم پیدا کرده است... هر کشوری ایران را تحریم کند، فرصتی را از خود دریغ کرده است. امیدواریم آنها با درک شرایط به مذاکرات بیایند، زیرا مطمئناً تعامل با ایران به نفع آنهاست.

تحلیل: رئیس‌جمهور در این پاسخ واژه «ایران» را چندین بار در مقابل «آنها»، «هر کشوری» و «کسی» به کار برده است؛ کاربرد واژه ایران در جهت راهبرد «اجماع»^۱ (ر.ک: ون‌دایک، ۲۰۰۶) بوده است که به مخاطب هدف خود القا می‌کند، این پاسخ از سوی کشور ایران داده می‌شود و نه شخص رئیس‌جمهور و حمایت مردمی را در راستای برتری قدرت ایران و حفظ وجهه منفی آن از یک سو و به تهدید طرف مقابل، اعمال قدرت و تهدید وجهه منفی آن از طریق قطب‌سازی میان «ما» و «آنها» و کاربرد فعل وجهی تقویت‌کننده «نمی‌توانند» در «نمی‌توانند کنار بگذارند» از دیگر سو به کار گرفته است. این نمایش قدرت بسیار صریح و بدون هیچ ظفره‌روی بیان شده است. در پایان نیز فعل معرفتی «امیدواریم» در راستای تعدیل پیام و «مطمئناً» به عنوان تقویت‌کننده بار دیگر برای تأکید بر حفظ وجهه منفی خود و تهدید وجهه منفی طرف مقابل به کار رفته‌اند. در پاسخ به این پرسش رئیس قوه مجریه برخلاف مورد پیشین که چالش‌های داخلی مطرح بود، بیشتر از تقویت‌کننده‌ها بهره گرفته و صریح‌تر تعامل داشته است.

کنفرانس ۱۳۸۸/۲/۹ - رئیس قوه مقننه (دوره هشتم)

۶. سؤال: وضعیت هسته‌ای ایران در آینده به کدام سمت خواهد رفت؟

پاسخ: این مسیری که ایران می‌رود، مسیری تعریف شده است؛ از این دیدگاه به این موضوع نگاه کنید که ما در مسائل هسته‌ای مایل هستیم که در چارچوب و نظارت آژانس گام برداریم، بنابراین اقتضا می‌کند که به یک راه‌حل دیپلماتیک اعتماد کنیم. اگر دیگران به دنبال فریبکاری و کلاهبرداری سیاسی باشند، اصلاً ایران پیشنهادات را رد خواهد کرد. بنابراین آنها باید تصمیم بگیرند در این قضیه که چه

مسیری را برای خود تعریف می‌کنند... این حرف‌ها که رسانه‌ها می‌زنند بیشتر ژست است، اما بیشتر آن مذاکرات که در جلسات مختلف خصوصی می‌گفتند جنس واقعی‌تر دارد. آنها واقعاً نمی‌خواهند ایرانی‌ها فناوری هسته‌ای داشته باشند. شهامت داشته باشند و این حرفشان را بگویند، بگویند که ما نمی‌خواهیم ایرانی‌ها فعالیت هسته‌ای داشته باشند، چون به نفعشان نیست. آنها به دنبال ماجراجویی می‌روند... فکر می‌کنم به نظرم در مسیر دیپلماتیک راحت‌تر می‌توانند تفاهم کنند.

تحلیل: استفاده از واژه‌های «ما»، «ایران»، «ایرانی‌ها» در مقابل «دیگران»، «آنها» مانند مورد قوه مجریه تلاش برای قطب‌بندی و قدرت‌نمایی در مقابل طرف مقابل و حفظ وجهه منفی خود و در عوض تهدید طرف مقابل و تهدید وجهه منفی آنها است. همچنین کاربرد جمله شرطی و سپس استفاده از ضمیر مبهم «دیگران» به صورت تعدیل‌گر برای تخفیف تهدید و وجهه منفی مخاطب هدف (غیاثیان و دیگران: ۱۳۹۳) است که با استفاده از فرایند نام‌دهی چون «فریبکاری» و «کلاهبرداری سیاسی» صورت گرفته است. جمله بلافاصله با تقویت‌کننده «اصلاً» و «باید» ادامه می‌یابد که باز هم در راستای تهدید و وجهه منفی مخاطب، و اعمال قدرت صورت گرفته است. رؤسای قوا در این دو پرسش (۴ و ۵) در پایان با به‌کارگیری افعال معرفتی «امیدواریم»، «فکر می‌کنم» و «به نظرم» به دنبال «حفظ وجهه منفی خود، مخاطب هدف و مدیریت بحث و همراه کردن شنوندگان (مردم) هستند.»^(۵)

کنفرانس ۱۳۸۸/۲/۹ - رئیس قوه مقننه

۷. سؤال: مقام معظم رهبری فرمودند در انتخابات دهم برخی خواص مردود شدند، تحلیل شما از علت مردودی خواص چیست و خواص مردودشده در این مرحله چه باید بکنند که دوباره بازگردند؟

پاسخ: در کشور ما از ابتدای پیروزی انقلاب عده زیادی بودند که قصد خدمت داشتند و با اخلاص هم عمل کردند و در راه وظایف خود فداکاری هم کردند، اما به‌هرحال این افراد مراتب مختلفی دارند. مرزبندی این افراد بسیار مهم است و باید به این مسئله توجه داشت. مطالب اخیر مقام معظم رهبری هم به این موضع اشاره داشت. ثقل جامعه ما و حرکت عمومی کشور در ادوار مختلف افرادی بودند که

خدمتگزار کشور بودند، منتهی با مراتب مختلف. به‌عنوان مثال آقای ناطق نوری شخصیت بارز، ممتاز و مبارز و فعالی در کشور بوده‌اند که مسئولیت‌های مهم برعهده داشتند و همیشه در همه میدان‌ها فعال بودند. سؤال من این است که چه فایده‌ای دارد که ما این افراد را تخریب کنیم؟ چرا باید چون ما یک موضع از یک فرد را نمی‌پسندیم وی را تخریب کنیم؟ آیا این درست است که خدمات گذشته افراد را نادیده بگیریم؟ افراد دیگری هم بودند که همین وضعیت را دارند و مقام معظم رهبری در نماز جمعه پس از انتخابات از آنها یاد کرد و خدماتشان را برشمرد. ما نباید در کشور فضای تدریجانه ایجاد کنیم چون در این دالان، حق و ناحق بسیار می‌شود. ممکن است یک سیاستمدار، اشتباهی را در مقطعی مرتکب شود ولی باید مجال بازگشت را به او داد... امروز ایران از یک ظرفیت بزرگ مردمی برای اداره کشور برخوردار است... اگر مناقشه‌ای هم وجود دارد باید براساس قانون حل شود.

تحلیل: در جملات ابتدایی پاسخ، بیانات کلی و مبهمی را شاهد هستیم «عده زیادی»، «این افراد» و «مراتب مختلفی» و سپس فعل غیرشخصی «باید توجه داشت» همه به ابهام کمک کرده است. پس از این جملات «ارجاع» از مقام رهبری را شاهد هستیم. رئیس قوه مقننه چندین پرسش را مطرح می‌کند، که خود یکی از راه‌های طفره‌روی محسوب می‌شود (فریزر، ۲۰۱۰: ۲۹). در ادامه فعل و وجهی منفی و تقویت‌کننده «نباید» با ضمیر شخصی جمع «ما» به‌صراحت به تهدید وجهه منفی «ما» به‌عنوان همه ایرانیان اقدام می‌کند. استفاده از فعل مجهول «حق و ناحق می‌شود»، جمله شرطی، صفت و وجهی «ممکن است» و فعل غیرشخصی «باید حل شود» همگی به تعدیل گفته و تعدیل نیروی غیربیانی کنش گفتار کمک کرده است. رئیس قوه مقننه برخلاف پرسش قبلی که در مقابل مخاطبان خارجی صحبت می‌کرد و همچنین موردی که وجهه منفی رئیس قوه مجریه را تهدید می‌کند، برای اعتبار و قدرت سخنانش بیشتر به ارجاع متوسل شده است و به‌جز یک مورد کلی، به فرد خاصی بر نمی‌گردد و تهدید در راستای جلب توجه همگان برای پیشگیری از تدریج است، در سایر موارد از نشانگرهای تعدیل در راستای ابهام و حفظ وجهه منفی افراد بهره گرفته است.

کنفرانس ۱۳۸۸/۶/۱۶ - رئیس قوه مجریه (دوره دهم)

۸. سؤال: با توجه به روند برگزاری دادگاه اغتشاشات اخیر و اتهامات متعدد که علیه شما مطرح شد آیا شما قصد شکایت ندارید؟ مواجهه با افراد پایین دستی و فرماندهان جریان آشوبها چگونه باید باشد؟ در مورد خبر وقف دانشگاه آزاد اسلامی نظرتان چیست؟

پاسخ: بنده هم خبر وقف دانشگاه آزاد اسلامی را شنیدم و در شورای انقلاب فرهنگی هم مطرح شد. به لحاظ قانونی تغییر و تحولات در مورد این دانشگاه باید در شورای انقلاب فرهنگی به تصویب برسد و هر نوع تغییر در دانشگاه آزاد مستلزم حسابرسی است... منابعی که باید صرف ارتقای علمی بشود... اگر در چرخه دیگری وارد شود، حتماً نیازمند یک حسابرسی بسیار دقیق است... ما از هر اقدام سازنده‌ای که به اصلاح ساختارها و جهت‌گیری‌ها و رفتار دانشگاه آزاد اسلامی بینجامد استقبال می‌کنیم. از نظر ما پرونده انتخابات فردای انتخابات بسته شد... بعضی‌ها در فضای انتخابات... پا را از اخلاق فراتر گذاشتند، تهمت زدند و توهین کردند... برخی‌ها حرف‌هایی زدند که نه شایسته ملت ایران و نه شایسته آنها بود. مگر کسی می‌تواند یک ملت بزرگ و آگاه را فریب بدهد، مگر کسی می‌تواند رأی خود را به ملت ایران تحمیل کند... این حرف‌ها خیلی زشت بود... آنها از روز اول می‌گفتند اگر ما پیروز نشویم، تقلب شده است. این چه منطقی است؟ به این می‌گویند دیکتاتوری مدرن، ملت ایران هم نشان داد با دیکتاتورها چگونه برخورد می‌کند... آنها بد عمل کردند، به انقلاب و ملت ایران حق‌ناشناسی کردند، به چهره نورانی ایران گرد پاشیدند... به نظر من باید با پیاده‌نظام و کسانی که آمدند و با هیجان تحریک کردند با رأفت اسلامی برخورد شود. اما آنهایی که فرماندهی عملیات را داشتند... باید پاسخ بدهند و من فکر می‌کنم این مطالبه ملت ایران است، البته عادلانه، با رعایت عدالت قوانین و آیین دادرسی.

تحلیل: در پاسخ به این پرسش رئیس قوه مجریه از نشانگرهای «افعال مجهول»، «غیرشخصی» و «ضمایر مبهم» در راستای پوشیده‌سخن گفتن چه در مورد منابع مصرفی دانشگاه آزاد و چه اغتشاشات بهره برده است. در ادامه پرسش‌هایی را مطرح می‌کند که این نوع از نشانگرهای تعدیل براساس نظر فریزر (۲۰۱۰: ۲۹)، طفره‌روی از پاسخ‌گویی صریح و مستقیم است. وی با به‌کارگیری راهبرد «اجماع» با

عبارات «ما»، «ملت ایران»، «ایران»، «ملت بزرگ» در برابر «برخی»، «بعضی» و «آنها» به نوعی مخاطب جناح رقیب را مردم ایران قرار داده است و با حفظ وجهه منفی برای این «ما»، وجهه منفی آنها را تهدید کرده است. وی سپس با افعال معرفتی «به نظر من» و «فکر می‌کنم» به سمت تعدیل گفته و همراه کردن مخاطب با خود حرکت کرده است. در مجموع پاسخی همراه با حفظ وجهه گوینده و ادب منفی داده است که در این پاسخ ارتباط نشانگرها، ادب و تهدید و حفظ وجهه به وضوح مشخص می‌شود. رئیس قوه مجریه از نام‌دهی در تکمیل راهبردهای دیگر نیز بهره برده است؛ مثل «دیکتاتوری مدرن»، «دیکتاتورها»، «حق‌ناشناسی کردن»، و «گردپاشیدن». به این ترتیب وجهه رقبا مورد تخریب قرار گرفته است؛ و این همان بی‌ادبی نظام‌یافته و پذیرفته‌شده در زبان سیاسی محسوب می‌شود.^(۶)

۹. سؤال: خبرنگار پپلز دیلی پرسشی مبنی بر آنچه آن را نگرانی جوانان ایرانی از آینده شغلی خود و بیکاری می‌خواند، پرسید.

پاسخ: خوشحالم که شما طی چند روز دغدغه جوان‌های ایرانی را متوجه شده‌اید. بیکاری منحصر به ایران نیست. به نرخ بیکاری بالای ۱۷ درصد در آمریکا و ۱۰ درصد در اروپا توجه کنید. بخش مهمی از این مسئله حاصل بحران جهانی اقتصادی است. دولت برنامه‌های وسیعی برای ایجاد اشتغال دارد.

تحلیل: در ابتدای پاسخ با جمله «خوشحالم...» به یک‌باره از اهمیت پرسش کاسته می‌شود و بحث کنترل خبرنگاران با توجه به جایگاه قدرت سخنگو اتفاق می‌افتد و با این جمله آغازین، عبارتی تلویحی شکل می‌گیرد که گویی سخنگو می‌گوید شما هدف دیگری را دنبال می‌کنید. با اشاره به بیکاری در کشورهای دیگر گوینده در راستای طفره‌روی و کاهش اهمیت موضوع پیش می‌رود و انتساب این مشکل به بحران جهانی نیز در راستای انحراف مسئولیت پاسخ‌گویی است. مسئله قابل تأمل، نوع برخورد رئیس قوه با خبرنگار است که در قالب کنایه به جهت ادب منفی و حفظ وجهه مثبت خبرنگار خارجی مطرح شده است. «برنامه‌های وسیعی» کاملاً مشخص نیست و ابهام دارد و در واقع پاسخی داده نشده است.

پرسش بعدی نیز در راستای کنترل خبرنگاران است که مربوط به رئیس قوه

مقننه است:

کنفرانس ۱۳۸۸/۱۲/۲۵ - رئیس قوه مقننه

۱۰. سؤال: خبرنگار در مورد نقل قولی از رئیس مجلس می‌پرسد که آیا در مورد برکناری دبیرکل کمیته دفاع از ملت فلسطین اظهار نظر نمی‌کنید؟

پاسخ: احتیاجی به سخنگو ندارم، خودم می‌توانم در مورد اقداماتی که انجام می‌دهم اعلام نظر کنم، هم زبانش را دارم و هم قلمش را. هر زمان که نیاز باشد اعلام می‌کنم که چه اقدامی می‌خواهم انجام دهم.

رئیس قوه مقننه با این جملات پاسخی صریح و قاطع می‌دهد. وی نیز از جایگاه قدرت خود در مقابل خبرنگاران در راستای کنترل آنها و اعمال قدرت رسمی استفاده کرده است. در این پاسخ چون مخاطب، رسانه‌های داخلی هستند، شاهد کاربرد نشانگر تعدیل در راستای حفظ وجهه مثبت و ادب نیستیم و اعمال قدرت رسمی را به صورت تهدید و وجهه مثبت خبرنگار شاهدیم. در دو پرسش آخر رؤسای قوا از قدرت رسمی اما به دو شیوه کاملاً متفاوت برای کنترل خبرنگاران استفاده کرده‌اند.

کنفرانس ۱۳۸۸/۱۱/۲۷ - رئیس قوه مجریه (دوره دهم)

۱۱. سؤال: همچنان عده‌ای اعتماد جنابعالی را به مهندس مشایی بر نمی‌تابند.

پاسخ: خبر دارم که چه کسانی علیه دولت طراحی می‌کنند... جالب است آن کسانی که این هجمه را علیه ایشان انجام می‌دهند، یک کلمه درباره کسانی که به بیت‌المال دست‌اندازی کرده‌اند اظهار نظر نمی‌کنند.

تحلیل: در دو جمله‌ای که رئیس قوه پاسخ داده است، سه ضمیر مبهم «کسانی» به کار رفته است که در راستای طفره از پاسخ‌گویی مستقیم و درعین حال ابهام و کنایه به کار رفته است که «کسانی» واقعاً چه کسانی هستند. تخریب وجهه رقبا و کسب وجهه برای خودش را نیز در جملاتی مانند «علیه دولت طراحی می‌کنند» و «علیه مهندس مشایی نیز هجمه انجام می‌دهند» و «به بیت‌المال دست‌اندازی کرده‌اند»، شاهدیم. «طراحی» و «هجمه» نیز نام‌دهی هستند.

کنفرانس ۱۳۸۸/۲/۹ - رئیس قوه مقننه

۱۲. سؤال: شما در مورد فرانسه و آمریکا اظهار داشتید که تضمین این دو کشور قابل‌اتکا نیست. از سوی دیگر ما شاهد شعارهایی علیه روسیه هستیم. آیا رفتار

روسیه در قطعنامه اخیر کلاهبرداری سیاسی نیست؟

پاسخ: رفتار روس‌ها در نیروگاه هسته‌ای فرازوفرود داشت، اما این به معنای این نیست که دشمن ما هستند. در مسئله ۵۳۰۰ هم اشتباه کردند؛ لذا باید از طریق دیپلماتیک باید منافع خودمان را حفظ کنیم.

تحلیل: در این پاسخ نشانگر تعدیل «اما» از حروف ربط تضاد در تعدیل جمله قبل خود عمل کرده و دو فعل وجهی تقویتی «باید» در راستای تأکید بر منافع ایران در چارچوب دیپلماتیک به کار رفته است و عملاً وجهه منفی داخلی و همچنین خارجی حفظ شده است. در ضمن رئیس قوه با به کارگیری ضمیر همبسته «ما» و «خودمان» همه ملت را با خود همراه کرده است. موضوع را مسئله ملت و خود دانسته و در مقام پاسخ‌گویی از طرف ملت برآمده است.

نتیجه‌گیری

در تحلیل نهایی کنفرانس‌های مطبوعاتی سیاسی رؤسای دو قوه مجریه (دوره دهم) و مقننه (دور هشتم) باید گفت زبان به ما این امکان را می‌دهد که یک رویداد واحد را به صورت‌های متنوعی بیان کنیم. بنابراین می‌توانیم انتخاب کنیم که یک حادثه را به صورت یک عمل متعدی و یا عملی رابطه‌ای بیان کنیم. هر کدام از این انتخاب‌ها معنای ضمنی مهمی را در خود دارند. در واقع مطالعات متعدد در گفتمان سیاسی نشان داده است که اغلب این انتخاب‌ها از اهمیت ایدئولوژیک یا اجتماعی برخوردارند (ریچاردسون^۱، ۲۰۰۷: ۵۷-۵۶). در سیاق گفتمانی کنفرانس‌های مطبوعاتی، مخاطبان هدف اغلب افرادی هستند که در جلسه حضور ندارند، اما مرجع اصلی پاسخ‌ها به‌شمار می‌روند. به همین دلیل است که زبان دیپلماتیک و ادب سیاسی موجب می‌شود راهکارهایی اتخاذ شود که سخنران را از هرگونه اتهام سیاسی / اخلاقی به غیر برحذر دارد، بازخوردهای منفی کمتری در جامعه داخلی و بین‌المللی برانگیزد^(۲) و نوعی طفره‌روی که بشیا (۲۰۰۶) از آن با عنوان طفره‌روی به‌منظور دوری از سرزنش‌های اخلاقی و سیاسی نام می‌برد، رخ دهد. بنابراین هرگونه واکنش و پاسخی در برابر خبرنگاران داخلی یا به‌ویژه خارجی که فرکلاف

1. Richardson

(۱۹۹۰) از آن با عنوان «کارکردهای فرهنگی-اجتماعی بافت وابسته» یاد می‌کند، در مورد مسائل حساس بین‌المللی کاملاً خودآگاه و حساب‌شده صورت می‌گیرد^(۸). در عمق آنچه سیاست نامیده می‌شود، تلاش برای همراه کردن نگاه مردم در قضاوت و داوری‌ها در مفاهیم خوب و بد، حق و باطل و خیر و شر است (شلتن^۱، ۲۰۰۴: ۱۹۹). سیاستمداران با راهبردهای بلاغت به دنبال تأیید شدن و حفظ وجهه هستند، در نتیجه گاهی با برجسته‌سازی، تقویت و تأکید و البته اعمال قدرت و گاهی با تضعیف و تعدیل گفته‌ها از راه‌های حفظ وجهه مثبت یا منفی خود و مخاطب هدف در این جهت حرکت می‌کنند. به نظر می‌رسد روابط قدرت در گفتمان سیاسی، پیچیده‌تر از نتایج براون و لوینسون (۱۹۸۷)، و جلیلی‌فر و علوی (۲۰۱۱) باشد. در بافت موردبررسی تحقیق حاضر بین رؤسای قوا در مورد پرسش‌های مختلف، شاهد موضع‌گیری‌های متفاوت بودیم.

سیاق گفتمانی تحقیق، یعنی کنفرانس‌های مطبوعاتی سیاسی داخلی را می‌توان از نظر روابط قدرت به سه نوع رابطه معطوف داشت: (۱) رؤسای قوا و خبرنگاران؛ (۲) رؤسای قوا و مخاطب داخلی؛ (۳) رؤسای قوا و مخاطب خارجی. در بحث رؤسای قوا و خبرنگاران به دلیل فاصله اجتماعی و قدرت بین رؤسای قوا و خبرنگاران، رؤسای قوا یا از نشانگرهای تعدیل استفاده نکرده‌اند (سؤال ۱۰) و تهدید وجهه رخ داده است و یا به‌منظور حفظ ادب مثبت و وجهه از تعدیل‌گر استفاده نشده است (سؤال ۹). می‌توان گفت تفاوت پاسخ رؤسای قوا به پرسش‌های ۹ و ۱۰ به دلیل تفاوت‌های شخصیتی آنها بوده است. رئیس قوه مجریه (دوره دهم) بیشتر علاقه‌مند بود با مزاح (سؤال ۹) و کنایه (سؤال ۱۱) برخورد کند و رئیس قوه مقننه خیلی جدی و صریح واکنش نشان داد.

در مورد رابطه رؤسای قوا با مخاطب داخلی باید گفت این مورد یکی از بافت‌هایی بود که بیشترین کاربرد نشانگرهای تعدیل (۲، ۴، ۷، ۸) و تقویت (۳، ۵، ۶، ۱) را نزد رؤسای قوا شاهد بودیم. یکی از دلایل این بود که رؤسای قوا به‌موجب ملاحظات دیپلماتیک و ادب سیاسی و به‌منظور حفظ وحدت ملی مایل

نبودند اختلاف‌های جناحی و گروهی برجسته شود. البته نحوه بیان مطالب و کاربرد تعدیل‌گرها در هر دو متفاوت بود. رئیس قوه مقننه با طرح سؤال و ایجاد موقعیت‌های فرضی با بهره‌گیری از جملات شرطی و ارجاع به گفته‌های خود و اعتباربخشی به خود، سعی در آرام‌کردن فضا و پرهیز از تندروری داشت؛ اما رئیس قوه مجریه با قراردادن خود در کنار ملت ایران، رقیب را در برابر ملت قرار داد و وجهه منفی آنها را تهدید کرد و به‌چالش کشید. ولی هیچ‌گاه به‌طور مستقیم نامی از فردی برده نشد و نشانگرهایی نظیر ضمائر مبهم و مجهول همواره در راستای ادب سیاسی به‌کار گرفته شد. هرچند وی با استفاده از واژه‌هایی چون دیکتاتوری مدرن، دیکتاتورها، و حق‌ناشناسی با صراحت به قدرت‌طلبی و به‌چالش کشیدن رقیب پرداخت. درکل با توجه به اینکه ملت ایران شاهدان و شنوندگان مستقیم سخنان آنها بودند، به‌ویژه درباره مسائل پس از انتخابات، در مورد رئیس قوه مقننه بیشتر شاهد ادبیاتی رسمی و تشریفاتی و کلیشه‌ای بودیم که در زبان سیاسی مرسوم است (هریس، ۲۰۰۱: ۴۶۷).

زمانی که دو قوه روبه‌روی هم قرار گرفتند (سؤال‌های ۱ و ۲)، رئیس قوه مجریه با استفاده از عبارات ضمنی و متناقض و مفاهیم بلاغی سعی در اعمال قدرت و به‌چالش کشیدن طرف مقابل دارد و وجهه منفی او را تهدید می‌کند و البته در این میان از تعدیل‌گرها هم بهره می‌گیرد، اما رئیس قوه مقننه با ارجاع به قانون، دستگاه اجرایی و موظف‌کردن رئیس‌جمهور به اجرای مصوبات مجلس و پاسخ‌گویی در قبال رئیس مجلس به‌صراحت او را به‌چالش می‌کشد و منطقاً نشان می‌دهد که واضع قانون از مجری آن قدرتمندتر است.

در مورد مخاطبان خارجی، تقویت‌کننده‌ها بیشتر از تعدیل‌گرها نقش داشتند (سؤال‌های ۵ و ۶). رؤسای قوای مجریه (دوره دهم) و مقننه (دوره هشتم) به تبعیت از گفتمان مسلط سیاسی در کشور (مبارزه با استکبار جهانی و حفظ هویت ملی) در مقابله با مخاطب خارجی بیشترین قابلیت‌های خود را در بلاغت سیاسی به‌کار بردند. در این مورد رؤسای قوا در راستای یک هدف عمل کردند. تفاوتی که در برخورد رؤسا در مقام پاسخ‌گویی شاهدیم، به این نتیجه منجر می‌شود که انسان‌ها به‌تبع پیشینه‌های فرهنگی، سیاسی و حتی تحصیلی و شغلی سبک گفتار خاصی

دارند و این مسئله حتی در مورد سیاستمداران هم صادق است. در این مقاله به وضوح رابطه قدرت با حفظ / تهدید مخاطب / گوینده و کاربرد نشانگرهای تقویت و تعدیل مشخص می‌شود و نکته قابل تأمل در آن تفاوت سبک گفتار رؤسای قوا بود که در مورد رئیس قوه مجریه (دوره دهم) بیشتر سبکی ساده همراه با مزاح (پاسخ به سؤال ۹) و کنایه (پاسخ به سؤال ۱۱) و در مورد رئیس قوه مقننه سبکی رسمی، دیپلماتیک، جدی با پشتوانه استنادات قانونی را شاهد بودیم (پاسخ به سؤال ۱۲).

با توجه به نتایج به دست آمده در پاسخ به سوال اول تحقیق باید گفت، قدرت رابطه مستقیمی با به‌کارگیری تقویت‌کننده دارد و اعمال قدرت در گفتمان سیاسی از طریق به‌کارگیری نشانگرهای گفتمان‌مدار و موقعیت‌سنج تقویت صورت می‌گیرد. این نتیجه در راستای نظر فرکلاف (۱۹۸۹) است که گستاخی و غیرمؤدبانانه بودن رفتار و کلا از نظر شاهدان را در دادگاه امری مقبول می‌داند و هریس (۲۰۰۱) نیز از این نوع بی‌ادبی که در مجلس بریتانیا رخ می‌دهد به بی‌ادبی نظام‌یافته یاد می‌کند و بوسفیلد (۲۰۰۸) آن را بی‌ادبی موفق می‌نامد.

در پاسخ به پرسش دوم نیز باید گفت اگر هدف از پاسخ، تهدید وجهه و بیان صریح مطلبی و جلوگیری از تهدید وجهه خود توسط رقیب باشد، سخنگو از تقویت‌کننده کمک می‌گیرد تا وجهه منفی خود را حفظ و درمقابل، وجهه مخاطب هدف را تهدید و او را به چالش بکشد. کاربرد تعدیل‌گرها نیز زمانی است که هدف حفظ وجهه منفی یا حتی مثبت مخاطب و بیان مطلب به شیوه‌ای کاملاً دیپلماتیک است که از آن به ادب سیاسی یاد می‌شود؛ بلور (۲۰۰۷)، فریزر (۲۰۰۹)، می‌یر (۱۹۸۹) و بشیا (۲۰۰۶) نیز در تحقیقات خود بر همین ارتباط تعدیل‌گر با حفظ وجهه تأکید داشته‌اند.*

یادداشت‌ها

۱. نک سایت رسمی خبرگزاری فارس: www.Farsnews.com, Last Visited: 9/6/2014
2. www.president.ir, Last Visited: 6/5/2012
- www.parliran.ir, Last Visited: 6/5/2012

۳. رک: هریس، ۲۰۰۱؛ ۴۶۴.

۴. ون دایک (۲۰۰۶:۷۳۷) در این باره می‌گوید مفاهیم بنیادین و باورها در قالب عناصر واژگانی «خاص» بیان می‌شوند، به‌نوعی که معانی مشابه در واژه‌های مختلفی عرضه می‌شود و این امر با توجه به جایگاه، نقش، هدف، زاویه دید و عقیده سخنگو به‌عنوان یکی از ویژگی‌های متنی فرق می‌کند، مثل «فریبکاری»، «کلاهبرداری سیاسی»، «دیکتاتوری مدرن». غیاثیان (۱۳۸۸) مفهوم ارزش‌دهی را در این باره مطرح می‌کند که به کنشگرهای اجتماعی اطلاق می‌شود که به‌صورت خوب یا بد، دوست‌داشتنی، یا انزجاربرانگیز ارزش‌یابی می‌شوند. در واقع نام‌دهی به‌صورت فاعلی را ارزش‌دهی می‌نامند. مثل «عزیز»، «حرامزاده»، «بی‌وجدان».

۵. رک: جلیلی فر و علوی، ۲۰۱۱؛ ۴۵.

۶. رک: هریس، ۲۰۰۱؛ ۴۵۵.

۷. رک: غیاثیان و همکاران، ۱۳۹۳؛ ۱۸.

۸. همان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

استاجی، اعظم؛ حامدی شیروان، زهرا (۱۳۸۹)، «بررسی تأثیر دو مؤلفه نحوی وجهیت و تعدی در باز نمود خود و دیگری در متون مطبوعاتی در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی»، نشریه علوم اجتماعی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، تابستان ۱۳۸۹، شماره ۱۹.

لوکس، استیون (۱۳۷۵)، قدرت، نگرشی رادیکالی، ترجمه عماد افروغ، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ اول.

پایگاه اطلاع رسانی مجلس شورای اسلامی ایران: www.parliran.ir

پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری اسلامی ایران: www.president.ir

جلیلی فر، علیرضا؛ علوی، مریم (۱۳۹۰)، «قدرت سیاسی در کارکرد زبان: بررسی استفاده از عبارات احتیاط آمیز در مصاحبه های سیاسی»، مجله آموزش مهارت های زبان، شماره ۳.

ذاکری، طاهره (۱۳۸۵)، «مطالعه تفاوت های نوشتاری در آثار نویسندگان معاصر ایرانی با توجه به متغیر جنسیت»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور، تهران.

سایت خبرگزاری فارس: www.Farsnews.com

غیاثیان، مریم سادات و همکاران (۱۳۹۲)، «نشانه های تعدیل در کنفرانس های مطبوعاتی سیاسی رئیس جمهور»، جستارهای زبانی، زمستان ۱۳۹۲.

غیاثیان، مریم سادات (۱۳۸۸)، «بازتاب نگرش فرهنگی غرب نسبت به ایران در ساخت های زبانی نشریات انگلیسی زبان، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره دوم، شماره ۱.

یارمحمدی، لطف الله؛ خسروی نیک، مجید (۱۳۸۰)، «شیوه ای در تحلیل گفتمان و بررسی دیدگاه های فکری اجتماعی». نشریه علوم اجتماعی نامه فرهنگ، شماره ۴۲.

Alavi- Nia, Jalilifar, A. (2013), "We Believe the Iranian Nation The Manifestation of Power in Iranian Televised Presidential Debates", *Language & Communication*, No. 33.

Berlin, L. (2008), "I Think, Therefore... Commitment in Political Testimony", *Journal of Language and Social Psychology*, Vol. 27, No. 4, Sage Publications.

Bhatia, Aditi (2006), "Critical Discourse Analysis of Political Press Conferences", *Macquarie University, Australia*. Discourse of Society.

Bloor, M & Bloor, T. (2007), *The Practice of Critical Discourse Analysis*, London: Hodder Arnold.

- Bousfield, D. (2008), *Impoliteness in Interaction*, John Benjamin: Amsterdam.
- Brown, P. & Levinson, S. (1987), *Politeness: Some Universals in Language Usage*, Cambridge University Press, Cambridge.
- Chilton, P. (2004), *Analysing Political Discourse: Theory and Practice*, Routledge. London.
- Coates, J. (1987), "Epistemic Modality and Spoken Discourse", *Transactions of the philological society* (85).
- Fairclough, N. (1995), *Critical Discourse Analysis*, New York: Longman.
- Fraser, B. (2009), "Hedging in Political Discourse", In: *Papers from the 2d International Conference on PD Warsaw*, Poland (Edited by Piotrcap).
- Fraser, B. (2010), *Pragmatic Competence: The Case of Hedging*, Edited by Gunther Kaltenbock, Wiltrud Mihatsch and Stefan Scheider: Emerald.
- Harris, S. (2001), "Being Politically Impoliteness: Extending Politeness Theory to Adversarial Political Discourse", *Discourse & Society*, vol.12
- Hyland, K. (1996), "Writing Without Conviction? Hedging in Science Research Article", *Applied linguistics*, 17(4), pp. 433- 454.
- Hyland, K. (1998), "Boosting, Hedging and Negotiation of Academic Knowledge", *Text*, 18(3), pp.349-382
- Gardia-Paster, MD (2008), "Political Campaign Debates as Zero-Sum Games: Impoliteness and Power in Candidates's Exchange", In: Bousfeild, D Locher, M.A (Eds), *Impoliteness in Language*, Berlin/Newyork, pp. 100-128.
- Mayers, G. (1989), "The Pragmatics of Politeness Inscientific and H.Schroder (eds)- articles", *Applied linguistics*, 10 (1), pp. 1-35.
- Orwell, G. (1946), "Politics and the English Language", In: *Inside the Whale and Other Essays*, Berlin: Mouton de Gruyter, pp. 143-157.
- Richardson, John (2007), *Analyzing Newspapers: An Approach from Critical Discourse Analysis*, NewYork: Parave Publishing.
- Van, Dijk. (2006), "Politics, Ideology, and Discourse", *Elsevier Encyclopedia of Language and Linguistics*, Vol. On Political and Language (Ruth Wodak ed), pp. 228-740.